

جغرافیای روانی یک رسوایی

ایلان ماسک چهره ثروتمند و جنجالی دنیای فناوری که با حمایت مالی باعث پیروزی کارزار ترامپ در انتخابات شده بود و جایگاه مهمی را هم در دولت او به دست آورده بود؛ بعد از وضع قوانین مالیاتی دولت که شامل خودروهای برقی هم می‌شد، با ترامپ وارد چالش جدی شد؛ طوری که شاهد نزاع عریان جدی نمادهای دلار و قدرت هستیم

سید مصطفی صابری | روزنامه نگار



این روزها مشاجرات رسانه‌ای یکی از قدرتمندترین انسان‌ها یعنی ترامپ با یکی از ثروتمندترین‌ها یعنی ایلان ماسک در صدر اخبار است. سابقه این جدال به یکی از خاص‌ترین اتحادهای سیاسی اقتصادی چند دهه اخیر آمریکا برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که ایلان ماسک، چهره برجسته دنیای فناوری و سرمایه‌دار جنجالی تصمیم گرفت علناً کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ حمایت مادی و معنوی کند؛ آن هم درست زمانی که گزینش‌اش در حلقه نخبگان و دانشگاهیان، به خاطر رسوایی‌های قدیمی و البته رفتارهای عوام‌فریبانه منفور بود. آن اتحاد عجیب، بیشتر به معامله‌ای تاکتیکی شباهت داشت تا همدلی فکری؛ اما باز هم عمرش این قدر کوتاه تصور نمی‌شد تا این که خیلی زود شعله اختلافات بالا گرفت: نخست بر سر سیاست‌های مالیاتی دولت ترامپ و فشار بر صنایع سبز که خودروهای برقی تسلا را هم شامل می‌شد، بعد بر سر تعیین رئیس جدید ناسا و در نهایت با جدالی رسانه‌ای توأم با افشای‌های متعدد توسط طرفین در بستر شبکه‌ای که حالا تحت سلطه ماسک اداره می‌شود. جالب این جاست که این دو هر کدام باز تاب دو قطب هویتی، قدرت و سرمایه در آمریکای چند دهه اخیر هستند، برای همین نبردشان چیزی فراتر از چالش دو میلیاردی است؛ حالا شاهد دو گانه‌ای خاص هستیم از جنس مواجهه‌ای صریح با منطق‌های متعارض روان‌شناختی. از یک سو، ریسک‌پذیری برون‌گرای ماسک، قواعد پذیرفته‌شده را به چالش می‌کشد و عریان در فضای عمومی مطرح می‌کند؛ از سوی دیگر، ترامپ بدون در نظر گرفتن هیچ خط قرمزی و با پا گذاشتن روی اتحادی استراتژیک، سیاست و افکار عمومی را به قلمرو خاص شخصیت خودش بدل می‌کند. دو نفر که چند ماه قبل در کنار هم پیروزی‌شان را جشن می‌گرفتند، حالا چنان روبه‌روی هم هستند که ماسک بی‌پرده از بی‌اخلاقی‌ها و رسوایی‌های منتشر نشده ترامپ می‌گوید و طرف مقابل هم او را متهم به سوءاستفاده از دولت برای پیشبرد اهداف تجاری می‌کند. پرونده پیش‌رو، با بررسی زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای این چالش، واکاوی ذهن دو مردی است که در دنیای شبکه‌های اجتماعی، بازی سیاست و ثروت را از نو می‌نویسند.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۴

۱۱ دی الحجه ۱۴۴۶ • ۷ ژوئن ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۸۶

۳۰۰۵



جنگی با ۲ بازنده بزرگ

حساس‌اند. ناظران نیویورک تایمز معتقدند دروازه‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جسورانه ماسک، چه در بخش فضایی و چه در انرژی‌های پاک با هر حمله سیاسی و تنش رسانه‌ای ممکن است روزنه‌های خود را از دست بدهد. ورود به جنگ آشکار با دولتی که بزرگ‌ترین مشتری و حامی زیرساخت‌های فناوری آمریکاست، حتی برای بزرگ‌ترین میلیاردرها هم با خطر سقوط همراه است.

بازنده‌هایی جدال بزرگ کیست؟

شاید هر دو طرف این دعوا اعتماد و سرمایه‌ای از دست داده باشند، اما ترازوی ضرر، بنا به اجماع بسیاری از گزارش‌های فایننشال تایمز و سی‌ان‌بی‌سی، بیشتر به سمت دولت ترامپ سنگینی می‌کند. دلیل اصلی، تکیه حیاتی دولت بر دستاوردهای فناوریانه ماسک، به‌ویژه در عرصه فضایی، انرژی‌ترقی و حمل‌ونقل نوآورانه است؛ بخشی از پیکربندی جدید اعتبار بین‌المللی آمریکا که فعلاً جایگزین معتبری برای آن وجود ندارد. البته ایلان ماسک از ریزش بازار و تهدید به حذف قراردادهای نصیب‌نمانده، اما کمتر از ۴ سال دیگر ترامپ می‌رود و ماسک می‌تواند دوباره به عرصه برگردد؛ اما این نزاع برای دولت ترامپ که دور دوم هم نخواهد داشت، می‌تواند هزینه بیشتری داشته باشد.



موفق حوزه فناوری، ریسک انزوای بی‌سابقه‌ای را به جان خریده است؛ انزوایی که ممکن است در بزرگه انتخابات کنگره، بهای سنگینی به قیمت حضور مخالفان و استیضاح احتمالی را به او تحمیل کند.

تسلا در چرخه سقوط؟

ایلان ماسک، که پیش از این از مواهب سیاست‌های دولتی بهره‌مند بوده، اکنون شرکت‌هایش با تالانم و تهدیدی جدی مواجهند. درست پس از اوج‌گیری اختلافات و خطوط‌نشان‌های ترامپ، سهام تسلا و اسپیس ایکس با افت روبه‌رو شد؛ به گزارش بلومبرگ، تنها طی سه روز، ارزش سهام تسلا بیش از هفت درصد کاهش یافت. بازارهای مالی به شدت نسبت به امنیت قراردادهای دولتی و اعتبار سیاسی چهره‌هایی مثل ماسک

مشاجره‌پر و صدای دونالد ترامپ و ایلان ماسک، تنها پرونده‌ای شخصی میان دو نماد قدرت و سرمایه نیست؛ این کشمکش جنجالی حالا به آزمایشگاهی برای سنجش اعتبار و نفوذ دولت، بازارها، و جامعه آمریکا بدل شده است. هر دو در بازی رسانه‌ای و افشای‌گری، خطرهای بزرگی را به جان خریده‌اند. اما بحران اعتماد و هزینه‌های اقتصادی و اعتباری، بر کدام جبهه سنگینی بیشتری دارد؟

دست‌خالی ترامپ بدون «مرد موشکی»

برای ترامپ که روی حمایت میلیاردرها و چهره‌هایی همچون ماسک حساب ویژه‌ای باز کرده بود، این تقابل یعنی ضربه به پاشنه آشیل کارزار تبلیغاتی‌اش به‌خصوص در میان دوره کنگره که برای دولت اهمیت زیادی دارد. شکاف با ماسک که نماد نوآوری فنی و اقتصادی طبقه بالای آمریکاست، فاصله دولت و جریان نخبگان فناوری را عمیق‌تر کرده است. تحلیلگران تأکید دارند افشای‌گری‌های احتمالی و تهدیدهای اخلاقی ماسک هر چند اتفاق تازه‌ای در باره ترامپ نیست اما باز هم کمین ترامپ را در موقعیتی تدافعی قرار داده و حتی بخشی از بدنه رای‌دهندگان سنتی‌اش را متزلزل کرده است. ترامپ که به سخت‌گیری علیه پاره‌های فناوری مشهور نیست، با تهدید قطع حمایت از چهره‌های

سی‌ان‌ان ژانویه ۲۰۱۷). با این حال ماسک هنوز حمایت عریان‌ش را آن‌چنان که در انتخابات اخیر دیدیم، پیش‌نبرده بود و حتی پس از خروج ترامپ از توافق اقلیمی پاریس، ماسک آشکارا از دولت فاصله گرفت و از شورای مشاوران اقتصادی استعفا کرد؛ حرکتی که خود نقطه عطف واگرایی تلقی می‌شود (گزارش نیویورک تایمز ژوئن ۲۰۱۷). تا این که ماسک به دنبال افزایش نفوذش در ناسا و همین‌طور داشتن یک متحد برای پیشبرد برنامه‌های تجاری‌اش در انتخابات اخیر دوباره به ترامپ نزدیک شد و نقش پررنگ‌تری از قبل داشت؛ اما قوانین مالیاتی دولت و بعد هم اظهارات تند ترامپ در قبال یارانه خودروهای برقی، این واگرایی را برخلاف دفعات قبلی به نزاع رسانه‌ای و جدال علنی تبدیل کرد. خلاصه این که گذشته روابط این دو، نشان‌دهنده کاهش تدریجی منافع مشترک و آغاز فاز تنش و رقابت بود.

گذشته پنهان یک اتحاد تاکتیکی

زودگذر بودن اتحاد ماسک و ترامپ شاید برای خیلی‌ها عجیب باشد اما بررسی پیشینه روابط این دو نفر، نشان‌دهنده نوعی اتحاد موقت و استراتژیک است که نه بر اشتراک آرمان، بلکه روی منافع لحظه‌ای و توافقات دوطرفه شکل گرفت. نخستین پیوند جدی میان آن‌ها پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ رقم خورد؛ زمانی که ماسک، به عنوان مدیرعامل شرکت‌های بزرگ فناوری، به دعوت کاخ سفید در جلسات مهم مشاوره اقتصادی شرکت فعال داشت و حتی پس از آن در نشست‌های شورای فناوری دولت جدید هم حضور داشت. در همین بازه زمانی، حمایت‌های ماسک از برخی سیاست‌های اقتصادی ترامپ، مانند تسهیل فضای سرمایه‌گذاری در صنعت خودروسازی و فناوری فضایی، آشکار بود؛ برخی منابع خبری حتی اشاره کردند که ماسک در مقاطعی حمایت مالی هم به شکل نامحسوس از کمپین ترامپ انجام داده است (گزارش شبکه

شخصیت‌شناسی ۲ مرد با عطش عجیب دیده شدن



شخصیت‌های معروف دنیای فناوری مثل گیتس و زاک‌برگ روش‌های خاص خودشان را برای زندگی، تجارت، رقابت و... دارند. به‌طور مثال گیتس با بنیاد خیریه‌ای‌اش نوعی مسئولیت اجتماعی در ابعاد جهانی برای خودش تعریف کرده است. زاک‌برگ بعد از خرید اینستاگرام با موسس آن چالش‌های جدی داشت که هیچ‌وقت به سبک ماسک و ترامپ علنی نشد. اما در این ماجرا با دو فردی طرفیم که علاقه خاصی به دیده شدن دارند. مطالعه دعوای ترامپ و ماسک، بدون توجه به شخصیت‌های کم‌نظیر و نحوه عملکرد رسانه‌ای آن‌ها، ناقص خواهد بود. هر دو نفر الگوهایی از «خودابرازی پررنگ»، میل به دیده شدن و استفاده حداکثری از رسانه برای اعمال نفوذ را نمایندگی می‌کنند؛ ویژگی‌هایی که بارها در تحلیل‌های رسانه‌ای و علمی مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور مثال بر اساس تحلیل منتشرشده در «فایننشال تایمز» (مه ۲۰۲۴) و همچنین گزارش‌هایی در «گاردین» و «واشنگتن پست»، کارشناسان علم رفتار و جامعه، ترامپ را فردی با شخصیت برون‌گرا، مستعد پاسخ‌های واکنشی و علاقه‌مند به بازتولید هیجان در افکار عمومی توصیف می‌کنند. او اغلب سعی دارد چهره‌ای فاتح و تسلط‌جو ترسیم کند، اما در مواجهه با چالش جدی، با حملات رسانه‌ای و تحقیر طرف مقابل واکنش نشان می‌دهد. ایلان ماسک، به روایت همین منابع، در عین داشتن نشانه‌هایی از نبوغ و ریسک‌پذیری، از نیاز به مرکزیت رسانه‌ای رنج می‌برد؛ ماسک همان‌گونه که در توضیح روان‌شناس اجتماعی، دکتر جسیکا ترسی در گاردین

(ژوئن ۲۰۲۵) آمده، «تمایل دارد مرز میان قهرمان و قربانی را خود تعیین کند.» او با کوچک‌ترین بوی تهدید، فاز تهاجمی می‌گیرد، اما در نشست‌های رسانه‌ای، آرام و استدلالی ظاهر می‌شود. اغلب، نقش آغازگر نزاع را ندارد اما به سرعت خود را قربانی سیاست‌ورزی یا ناکارآمدی حریف معرفی می‌کند. از نگاه تحلیلگران، یکی از عوامل تداوم و تشدید این دعوا، رهبرد استفاده از فضای رسانه‌ای برای اعمال فشار متقابل است؛ ترامپ و ماسک هر دو به جای حل مسئله در خفا، میدان رسانه را به محل زورآزمایی تبدیل می‌کنند. نمونه‌اش تهدید به افشای‌گری درباره ارتباط ترامپ با جفری اپستین از سوی ماسک و تهدید متقابل ترامپ به قطع قراردادهای دولتی بود؛ هر دو در واقع برای تقویت پایگاه هواداران خود، ابزار بی‌نام بحران می‌سازند. تهدیدهای ترامپ وقتی عجیب می‌شود که بدانیم از زمان بازنشسته شدن شاتل‌های فضایی، دولت آمریکا برای ماموریت‌های

سیلی جدالی جنجالی بر صورت افکار عمومی



جامعه‌ای بر مدار هیاهو

جامعه‌شناسان و کارشناسان رسانه معتقدند دعوای ترامپ و ماسک نماد جامعه‌ای است که همه چیز بر مدار هیاهو و جلب توجه بنا شده است؛ مثل سینمایی که آثار مستقل کمتر دیده می‌شوند، با ورزشی که چهره‌های کم‌حاشیه هرگز سوژه اصلی نیستند. در این بستر فرهنگی، شخصیت‌هایی مانند ماسک و ترامپ تقویت، اما به آسانی هم ساقط می‌شوند؛ و نتیجه‌آن، ناامیدی، بی‌اعتمادی و افزایش فاصله میان جامعه و نخبگان است؛ چرا که حالا همه می‌دانند اتحاد دیروز آن‌ها نه بر اساس آرمانی برای ساخت کشور، که از جنس منافع بوده و حالا که منافی نیست ابایی از بی‌آبرو کردن هم ندارند. آیا این شکست و رسوایی، آغاز فرایند بازآفرینی معیارهای موفقیت و الگوپذیری در جامعه آمریکا خواهد بود، یا تنها موجی گذرا از هیاهو و فراموشی رسانه‌ای است؟

جدال جنجالی میان ایلان ماسک و دونالد ترامپ، نه فقط یک نزاع میان ثروتمندان و سیاستمداران پر حاشیه، بلکه نشانه فروپاشی اسطوره‌های نوآوری و رسانه در ذهن جامعه آمریکاست؛ رویاویبی‌ای که تا مدت‌بی‌سابقه نسبت به نخبگان فناوری و فرسایش سرمایه اجتماعی همراه شده و موجی از گفت‌وگوهای انتقادی درباره نقش پول، رسانه و شهرت در موفقیت‌های امروز به راه‌انداخته است.

ویرانی چهره نخبگان فناوری

اتفاقات اخیر بار دیگر نشان داد اسطوره‌سازی رسانه‌ای از چهره‌هایی مانند ماسک تا چه اندازه شکننده است. برخلاف چهره‌هایی نظیر بیل گیتس که موفق شدند برند شخصی خود را از سیاست و حاشیه دور نگه دارند، نزدیکی ماسک به ترامپ و ورودش به بازی‌های قدرت محور، او را از جایگاه تحسین‌شده الگوهای نوآوری، به مرکز حملات رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی کشاند. پیامد، ریزش اعتماد بخش قابل توجهی از افکار عمومی به چهره‌های فناوری و باز شدن بحثی گسترده درباره رابطه اخلاق، ثروت و قدرت در آمریکا بود.

فرسایش سرمایه اجتماعی

این دعوای پرسر و صدا که از افشای‌گری تا تهدید به حذف برنده‌ها و لغو قراردادهای دولتی ادامه داشت، بازتابی از بحران عمیق اعتماد اجتماعی در آمریکا بود. موجی از طنز تلخ، شوخی و حتی بی‌اعتمادی فراگیر در فضای آنلاین و رسانه‌های مستقل به راه افتاد؛ بسیاری از جوانان و ناظران اجتماعی، این ماجرا را نشانه پایان دوران اسطوره‌پروری بی‌چون و چر او آغاز عصری تازه می‌دانند که در آن، ثروت و فناوری دیگر خودبه‌خودی تضمینی برای احترام و اعتماد نیست؛ چرا که وقتی حتی سیاستمدار و کارآفرین هم باشی اما قواعد بحث و جنجال در شبکه‌های اجتماعی تو را بی‌بعد ادبیات در سطح هواداران تیم‌های ورزشی و... می‌بینی می‌آید.